

هو الله

بسیار مسرورم که خود را بین این جمع می بینم الحمد لله وجوه نورانی نفوس روحانی و قلوب طالب تحرّی حقیقت است لهذا میخواهم چند کلمه‌ئی از حقیقت بیان نمایم لکن این صحبت مرا تطبیق بعلم و عقل نمائید اگر مطابق است قبول کنید اگر نه انکار نمائید زیرا در عالم انسانی موهبتی اعظم از عقل نیست عقل کاشف حقائق اشیاست عقل میزان ادراک است لهذا هر مسئله‌ئی را بمیزان عقل موازنه نمائید اگر مطابق عقل است فهو المطلوب اگر مخالف است شبهه‌ئی نیست که وهم است خداوند عقل داده که پی بحقائق بریم اگر مسئله‌ئی مخالف عقل است بدانیم که شایان اعتماد نیست بلکه اوهم است لهذا این صحبت مرا درست بمیزان عقل موازنه نمائید از بدایت تاریخ عالم تا یومنا هذا در بین بشر نزاع بوده بغض و عداوت بوده و حرب و قتال چرا بسبب سوء تفاهم بین ادیان که این سوء تفاهم سبب شد که عالم انسانی خراب گشت نوع بشر خون یکدیگر را ریختند اطفال و اولاد یکدیگر را اسیر کردند اموال یکدیگر را غارت نمودند هر ملت ضعیفی در تحت ظلم ملل و ادیان قوی بود ادیان عظیمه هماره تعدی بر ادیان ضعیفه کردند چنانکه هزار و پانصد سال بنی اسرائیل در جمیع اطراف عالم علی‌الخصوص آسیا افریقا و بعض بلاد اروپا در تحت اضطهاد شدید بودند این نزاع برای چه بوده و از چیست از سوء تفاهم بین ادیان است این سوء تفاهم سبب این همه جدال و نزاع و خونریزی بوده الحمد لله این قرن نورانی است قرن علم و تمدن است قرن ترقیات عالم انسانی است قرن ادراکات عظیمه و اکتشافات فضائل انسانیّه است پس در این قرن سوء تفاهم باید ازاله شود با جمیع ادیان در نهایت الفت و محبت سلوک گردد از جمله ادیان عظیمه الهیه دین موسوی است از جمله دین عیسوی است از جمله دین محمدی است ملاحظه کنید چه قدر سوء تفاهم در میان است جمیع ادیان حضرت موسی را نهایت تقدیس میکنند نبوت حضرت موسی مثل آفتاب است و ما بیان براهین قاطعه مینمائیم نه برهانی که قابل انکار باشد میگوئیم حضرت موسی شخصی واحد بود بظاهر در نظر خلق چوپان این شخص فرید وحید بین اسرائیل مبعوث شد در وقتی که اسرائیل در نهایت ذلت بودند در مصر اسیر فرعونیان بودند در نهایت جهل و نادانی بودند حضرت موسی آن قوم را از ذلت نجات داده بارض مقدس برد اسرائیل را چنان تربیت کرد که از حضيض ذلت باوج عزت رسیدند بدرجه‌ئی که در میان ملل عالم مشهور آفاق شدند در علوم ترقی کردند در مدنیّت ترقی کردند در صنایع ترقی کردند در فلسفه ترقی کردند سلطنت سلیمانی تأسیس نمودند حتی فلاسفه یونان به فلسطین آمده از سلاله حضرت سلیمان تحصیل فلسفه نمودند از جمله سقراط که اعظم فلاسفه یونان بود در تاریخ یونان مذکور که سقراط به سوریه رفت و تحصیل فنون نمود چون به یونان مراجعت نمود تأسیس وحدانیّت الهیه کرد و ترویج بقای روح بعد از صعود از دنیا فرمود ملت یونان او را اذیت کردند عاقبت در مجلس پادشاه او را زهر دادند

مختصر این است که از هجوم ملک بابل و دولت یونان و رومان بنی اسرائیل باز اسیر شدند فلسطین زیر و زبر گشت همه ذلیل گشتند تا آنکه باز حضرت مسیح که یک نفر از بنی اسرائیل بود نه جندی داشت و نه ثروتی فرید و وحید دوباره تأسیس مجد و عزت قدیمه نمود رومان را خاضع فرمود یونان را خاشع کرد با آنکه یک نفر فرید وحید از اسرائیلیان بود تأسیس عزت ابدیه نمود ترویج حقیقت حضرت موسی و تورات فرمود ملاحظه کنید که صیت موسی را در شرق و غرب بلند کرد ذکر اسرائیل را در عالم منتشر نمود انبیای بنی اسرائیل را مشهور آفاق نمود اگر حضرت مسیح نبود صیت حضرت موسی الی‌الآن در فلسطین مانده بود البته تورات از فلسطین بسائر ممالک عالم نمیرسید لکن بنصائح مسیح نام موسی و تورات در عالم منتشر شد و صیت بزرگواری حضرت موسی باقطار و جهات عالم رسید اگر حضرت مسیح نبود آیا در امریکا هیچ خبری از حضرت موسی

بود حضرت مسیح بود که تورات را در جهان منتشر کرد حضرت مسیح بود که کتاب تورات را در اروپا منتشر ساخت هزار و پانصد سال ملوک و رؤسای بنی اسرائیل نتوانستند نبوت حضرت موسی را به اروپا رسانند حضرت مسیح صیت آن حضرت را در جمیع آفاق بلند نمود تورات را ترویج فرمود منصفانه ملاحظه نمائید که تا يوم مسیح صیت حضرت موسی فقط در فلسطین بود تورات فقط در لسان عبرانی و یونانی بود اما حضرت مسیح سبب شد که تورات را بشش صد زبان ترجمه نمودند حتی در السن قبائل افریقا و حبشستان تورات نشر و ترجمه گردید لکن اسرائیلیان ندانستند گمان کردند که حضرت مسیح دشمن موسی است حال آنکه اعظم دوست حضرت موسی مسیح بود زیرا قوانین او را در جمیع عالم ترویج فرمود و همچنین در قرآن وصف و نعت حضرت موسی و تاریخ ظهور آن حضرت مکرر است و ذکر نبوت و جلالت و عظمت آن حضرت و حقیقت تورات مؤکد است همچنین ذکر انبیای بنی اسرائیل داود سلیمان یوشع ذی الکفل یوسف اسحق یعقوب هارون جمیع انبیا مرقوم و مذکور است خلاصه ستایش زیاد از انبیا مکرر در قرآن مذکور پس مادام رؤسای ادیان با هم در نهایت اتحاد و محبت بودند چرا اهل ادیان با هم در اختلاف و نزاع باشند با آنکه حضرت مسیح موسی را دوست داشت و حضرت محمد ص مسیح و موسی هر دو را دوست داشت چرا باید بین یهود و نصاری و مسلمان عداوت باشد بلکه باید بین آنها نهایت محبت و و داد باشد باید تحرّی حقیقت نمایند این قرن قرن حقیقت است نه قصص و روایات زیرا روایات و تقالید مختلف است و مایه اختلاف بنی اسرائیل روایاتی دارند مسیحیان روایاتی دارند و مسلمانان روایاتی که هیچیک تصدیق دیگری ننماید و ابداً مخالف یکدیگر پس باید همه این روایات را کنار گذاشت و تحرّی حقیقت نمود حقیقت مستور نمی ماند شما تحقیق نمائید انجیل را بخوانید ببینید چه قدر ستایش حضرت موسی است همچنین در قرآن ستایش بسیار از حضرت مسیح و موسی پس چرا باید بین اهل این ادیان نزاع و جدال باشد چرا دشمن یکدیگر باشند چرا ملّتی ملّت دیگر را قتل و غارت کند این بی انصافی است این جهالت است این نادانیت و اضحست که خدا جمیع را خلق کرده خدا رازق کلّ است شیطان آنها را خلق نکرده بلکه جمیع را خدا خلق کرده جمیع را خدا محافظه میفرماید خدا جمیع را بصورت و مثال خود خلق کرده فرموده انسان را بصورت و مثال خود خلق کنیم پس جمیع بشر بصورت و مثال الهی خلق شده اند نهایت در بعضی صورت و مثال الهی ظاهر است و در بعضی پنهان مانند این چراغهایی که بعضی روشنند و بعضی تاریک باید بکوشیم تا همه روشن شوند نباید بدگوئی و نزاع نمود باید دانست که همه بندگان یک خداوندند و در بحر رحمت او مستغرق نوع انسان واحد است و جنس بشر واحد لکن از جهالت اختلاف و ضدّیت بمیان آمده ملاحظه نمائید انسان چه قدر نادان است که اسیر این تعصبات است مثلاً یک تعصّب جنسی است که این چه قومی است المان این چه قومی است انگلیس این چه جنسی است فرنسا و قس علی هذا با آنکه جمیع سلاله آدمند و از یک عائله در اینصورت شبههئی نیست که یک جنسند و اولاد یک آدم پس این تصوّر اختلاف اجناس اوهام است

اما مسئله وطن که این اروپائی است این امریکائی این افریقائی است حتی در یک قطعه واحد خطوط وهمی کشیده و تقسیم کرده اند با آنکه جمیع ارض قطعه واحد است آیا میشود گفت که چون من در این خانه منزل دارم باید همسایه را غیر دائم بگویم چون این خانه من است لذا تو بیگانه هستی و خانه همسایه وطن من نیست او را باید کشت و خانه او را باید خراب کرد پس تعصّب وطن نیز اوهام است و اساس نزاع و جدال بعضی از اصحاب اغراض میخواهند امتیاز و ریاستی حاصل کنند این عنوان را سبب قرار میدهند که بشر بهم ریزند و رعایای بیچاره در میدان حرب پاره پاره شوند ملوک در قصرهای خود در نهایت راحت و آسایش مشغول ولی عنوان حبّ وطن را نموده فقرای بیچاره را در میدان پاره پاره میاندازند با وجود آنکه خود در نهایت راحتند پس این تعصّب وطن اوهام است و اساس نزاع و جدال روی زمین قطعه واحد است علی الخصوص چون بحقیقت نظر کنیم کره ارض قبور ماست یعنی قبور ابدی ماست اگر انسان چند روز روی آن زندگی نماید

بعد قبر ابدی انسان میشود اگر ایّامی روی زمین راه میرود الی الأبد زیر زمین میخوابد آیا جائز است انسان قبرستان را بپرستد برای قبر نزاع و جدال کند این زمین قبرستان ماست چرا برای آن دعوی کنیم خون همدیگر را بریزیم این چه جهالت است این چه نادانی است ملاحظه نمائید که انسان چه قدر جاهل است تحرّی حقیقت نمینماید

باری چون حضرت بهاءالله از شرق ظاهر شدند جمیع این توهمات را زائل فرمودند حیات تازهئی بنفوس بخشیدند نورانیّی آسمانی در قلوب انداختند افکار را توسیع دادند تعلیمات عظیمه ظاهر فرمودند بدرجهئی که الآن بهائیان اسرائیلی مسیحی زردشتی مسلمان بودائی جمیع در نهایت الفت با هم آمیزش نمایند چنانکه اگر در مجمع آنها وارد شوی نمیدانی کدام مسیحی کدام اسرائیلی کدام فارسی کدام مسلمان بوده جمیع با یکدیگر در نهایت الفت و محبت معاشرت مینمایند زیرا اولّ تعالیم حضرت بهاءالله وحدت عالم انسانیت است که جمیع بشر در بحر رحمت خداوند مستغرقند و خدا بجمیع مهربان است جمیع را دوست میدارد جمیع را رزق میدهد چون کلّ را روزی میدهد معلوم است که بکلّ مهربان است مادام او مهربان است چرا ما نامهربان باشیم البته سیاست ما اعظم از سیاست الهی نیست باید سیاست الهی را مجری داریم همین طور که او بکلّ مهربان است ما هم مهربان باشیم چنانکه او بعموم معامله مینماید ما هم معامله نمائیم نزاع و جدال نکنیم این قرن نورانیست این قرن روحانیست این قرن قرن ترقّیات است این تعصّبات سزاوار نیست اینها منبعث از جهل است الحمد لله جمیع ما بندگان یک خداوندیم و در بحر رحمت یک خداوند مستغرقیم دیگر تعصّب موسوی یا مسیحی یا مسلمان بیمعنی است باید تضرّع بملکوت الهی نمائیم که ما را موفق نماید تا بموجب تعالیم بهاءالله عمل نمائیم علم وحدت عالم انسانی را بلند کنیم تا تعصّب جنسی و تعصّب مذهبی و تعصّب وطنی و تعصّب سیاسی که هادم بنیان انسانیت است از میان بشر زائل شود عالم انسانی نورانی گردد رحمانی شود عالم ارض انعکاسات عالم بالا یابد جمیع اقوام در نهایت الفت با یکدیگر معاشر شوند حیات آسمانی جویند نزاع و جدال ننمایند صلح اکبر ظاهر شود رویها منور گردد مشامها معطر شود

خداوند مهربانا این جمع در ظلّ رحمت تواند و این نفوس متوجّه بملکوت تو خدایا بندگانیم کرم عنایت کن فقرائیم از کنز آسمانی بخش نادانیم بحقایق اشیاء دلالت کن ضعیفیم قوت آسمانی رسان فانی هستیم بعالم بقا درآر محتاجیم و منتظر تأیید تو اگر عنایتت رسد قطره دریا شود ذره آفتاب گردد اگر از الطافت محروم ماند از هر چیز بی بهره و نصیب شود پس عنایت کن مرحمت فرما تا علم وحدت عالم انسانی بلند نمائیم و نورانیّت آسمانی شرق و غرب را احاطه کند جمیع احزاب متحد شوند و حیات ابدی جویند و ترویج وحدت عالم انسانی نمایند و صلح عمومی انتشار دهند توئی کریم توئی معطی توئی مهربان